



فصلنامه علمی تخصصی حقوق وکیل دعاوی

وابسته به مرکز وکلای قوه قضاییه خراسان رضوی

دوره دو، شماره یکم، بهار ۱۴۰۵، صص: ۸۹-۱۱۷

بررسی مسئولیت مدنی ناشی از برچسب‌زنی محصولات تراریخته در پرتو حق بر سلامت، حق بر آگاهی و حقوق مصرف‌کننده

نویسنده:

محمد بیات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

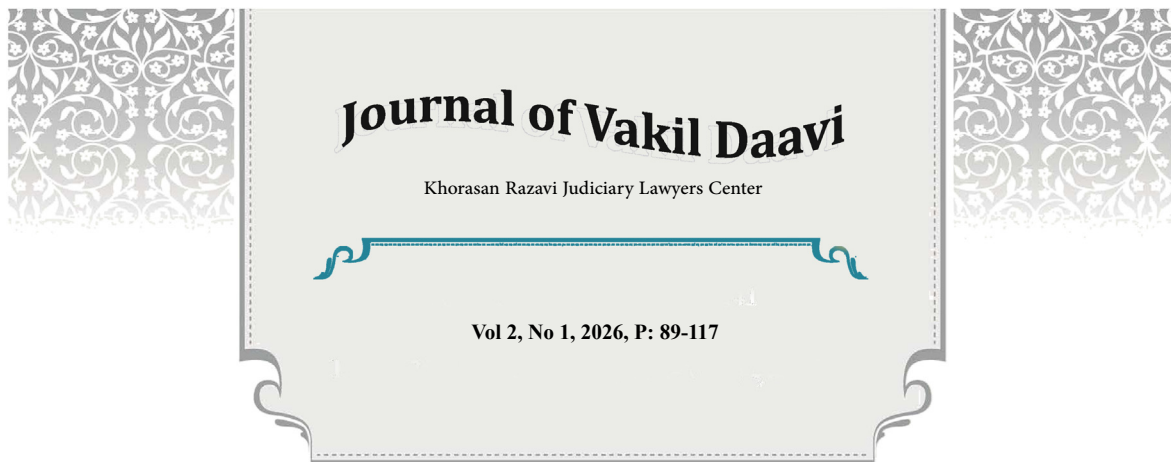
URL: <https://www.vakildaavirazavi.ir/>

DOI: <https://doi.org/10.22034/vd.2026.2092805.1015>

COPYRIGHTS

© 2026 by the authors. Licensee Khorasan Razavi Center of Attorneys – Judiciary. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)





Investigating Civil Liability Arising from Labeling of Genetically Modified Products in Light of the Right to Health, the Right to Knowledge, and Consumer Rights

Mohammad Bayat

Master of Private Law, Narag Branch, Azad Islamic University, Nazaq, Iran. Email: vakilmohammadbayat1368@gmail.com

Abstract

In the field of genetically modified products, labeling is not merely a technical or administrative requirement, but rather a tool for realizing the right to knowledge, preventing harm, and protecting the right to health of individuals. Whenever information regarding the nature of the genetically modified product, its characteristics, possible risks, or how to consume it is not provided to the consumer correctly and completely, the possibility of material, moral, and even physical damage increases. In such circumstances, the discussion of the civil liability of producers, importers, distributors, and regulatory bodies arises. The present study aims to explain the principles and scope of civil liability arising from the labeling of genetically modified products, in light of the right to health, the right to knowledge and consumer rights. The main issue is whether the defect, ambiguity, lack or misleading labeling of these products can be the basis for realizing civil liability and to what extent the legal system protects the consumer against losses resulting from incomplete information. This study, using a descriptive-analytical method and relying on library resources, relevant laws and regulations, principles of civil liability law and fundamentals of human rights, examines the position of labeling as a legal and professional obligation in the production and supply chain of genetically modified products. The research findings show that incorrect or incomplete labeling can be considered as a form of informational fault or a breach of the obligation to warn and inform, and if harm and a causal relationship are established, it can lead to civil liability of the relevant actors. Also, effective protection of the right to health and the right to information requires that the legal system not only be satisfied with formal regulations, but also foresees effective compensatory and preventive enforcement guarantees. Therefore, strengthening labeling regulations, clarifying responsibilities, and developing consumer protection are essential requirements in this area.

Keywords: Civil Liability, Labeling, Genetically Modified Products, Right to Health, Consumer Rights

فصلنامه علمی تخصصی حقوق وکیل دعاوی

دوره دو، شماره یکم، بهار ۱۴۰۵، صص: ۸۹-۱۱۷

بررسی مسئولیت مدنی ناشی از برچسب‌زنی محصولات تراریخته در پرتو حق بر سلامت، حق بر آگاهی و حقوق مصرف‌کننده

محمد بیات

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران
Email: vakilmohammadbayat1368@gmail.com

چکیده

در حوزه محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی، برچسب‌زنی صرفاً یک الزام فنی یا اداری نیست، بلکه ابزاری برای تحقق حق بر آگاهی، پیشگیری از ورود ضرر و حمایت از حق بر سلامت اشخاص به شمار می‌آید. هرگاه اطلاعات مربوط به ماهیت تراریخته بودن کالا، ویژگی‌ها، مخاطرات احتمالی، یا نحوه مصرف آن به درستی و به صورت کامل در اختیار مصرف‌کننده قرار نگیرد، امکان ورود خسارت مادی، معنوی و حتی بدنی افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، بحث از مسئولیت مدنی تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و نهادهای ناظر مطرح می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی و قلمرو مسئولیت مدنی ناشی از برچسب‌زنی محصولات تراریخته، در پرتو حق بر سلامت، حق بر آگاهی و حقوق مصرف‌کننده انجام شده است. مسئله اصلی آن است که آیا نقص، ابهام، فقدان یا گمراه‌کننده بودن برچسب‌زنی این محصولات می‌تواند مبنای تحقق مسئولیت مدنی قرار گیرد و نظام حقوقی تا چه میزان از مصرف‌کننده در برابر زیان‌های ناشی از اطلاع‌رسانی ناقص حمایت می‌کند. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، قوانین و مقررات مرتبط، اصول حقوق مسئولیت مدنی و مبانی حقوق بشر، به بررسی جایگاه برچسب‌زنی به عنوان تعهد قانونی و حرفه‌ای در زنجیره تولید و عرضه محصولات تراریخته می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برچسب‌زنی نادرست یا ناقص، می‌تواند به عنوان نوعی تقصیر اطلاعاتی یا نقض تعهد به هشدار و اطلاع‌رسانی تلقی شود و در صورت احراز ورود ضرر و رابطه سببیت، موجب مسئولیت مدنی عاملان ذی‌ربط گردد. همچنین، حمایت مؤثر از حق بر سلامت و حق بر آگاهی مستلزم آن است که نظام حقوقی صرفاً به مقررات شکلی اکتفا نکند، بلکه ضمانت‌اجراهای کارآمد جبرانی و پیشگیرانه را نیز پیش‌بینی نماید. از این رو، تقویت ضوابط برچسب‌زنی، شفاف‌سازی مسئولیت‌ها و توسعه حمایت از مصرف‌کننده، از الزامات اساسی در این حوزه به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، برچسب‌زنی، محصولات تراریخته، حق بر سلامت، حقوق مصرف‌کننده.

مقدمه

از جمله اهداف تولید محصولات زراعی تراریخته، برآوردن نیازهای مصرف‌کنندگان و ایجاد شرایط مطلوب‌تر برای زندگی است. با این حال به دلیل طراحی با نحوه کاربرد این محصولات، بی احتیاطی عرضه‌کنندگان، نقصان فرآیندهای کنترل کیفیت، ناآگاهی مصرف‌کنندگان و رویه‌های تجاری غیر منصفانه، سلامتی و حتی حیات آنها ممکن است، دچار مخاطره شود. از این رو مصرف‌کنندگان حق دارند که در برابر کالاها و خدماتی که برای حیات و سلامتی‌شان خطرناک است، محافظت و حمایت شوند. یکی از این محافظت‌ها، برچسب‌گذاری محصولات غذایی است. اقدامی که در راستای تأمین حقوق مصرف‌کنندگان و جلب اعتماد آنها ضروری است.^۱

«حق اطلاع‌رسانی» و دریافت اطلاعات، به عنوان یکی از حقوق بنیادین جامعه بشری مورد پذیرش قرار گرفته است. بر اساس ماده نوزده اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد، حق مزبور شامل..... کسب اطلاعات و افکار، اخذ و انشار آن، به تمام وسایل و بدون ملاحظات مرزی است.»^۲ موضوع آگاه شدن و دریافت اطلاعات در این اعلامیه و البته سایر اسناد حقوق بشری الزام آور مطرح شده است. موضوعی که در خصوص شیوه عرضه محصولات غذایی تراریخته و برچسب‌گذاری آنها به منظور اطلاع‌رسانی به مصرف‌کنندگان به یک چالش حقوق بشری تبدیل شده است. به عقیده طرفداران اجباری نمودن برچسب‌گذاری محصولات غذایی تراریخته، این حق مصرف‌کننده است که از محتویات مواد غذایی عرضه شده در بازار مصرف، مطلع باشد تا بتواند خریدی آگاهانه انجام دهد. به زعم آنها مصرف‌کننده حق دارد ازادانه و آگاهانه انتخاب کند که چه غذایی بخورد و یا نخورد. بحث برچسب‌گذاری محصولات غذایی تراریخته مجادلات و نگرانیهایی را در دو زمینه مهم فراهم نمود. از یک سو تبعات عدم برچسب‌گذاری بر حقوق بنیادین بشری از جمله «حق دانستن» و به تبع آن حق انتخاب آگاهانه مصرف‌کنندگان مطرح شد و از سوی دیگر بحث تبعات برچسب‌گذاری محصولات غذایی تراریخته بر تجارت و بازاریابی این محصولات مطرح گردید. اغلب شرکت‌های زیست فناوری با اجباری شدن این موضوع مخالف هستند و علاوه بر آن، قوانین ملی و بین‌المللی نیز در این رابطه، از چندان هماهنگی و یکنواختی مناسبی برخوردار نیست. این مشکلات در حالی وجود دارد که همگان در سطح جهان به وجود حق بشری بر دانستن معترف بوده و این را به عنوان یک اصل بنیادین حقوق بشری به رسمیت می‌شناسند. نبود برچسب برای محصولات غذایی تراریخته، در بازار مصرف، حقوق مشتریان را درباره انتخاب نوع غذای مصرفی به خطر می‌اندازد. در نتیجه بدون تصمیم آنها انواع مواد غذایی تراریخته، بر سر سفره‌هایشان حاضر می‌شود.^۳ عدم اطمینان مصرف‌کنندگان در مورد آنچه که

۱. مهاجر، مینا. صفایی، حسین. مهدوی دامغانی، عبدالمجید ۱۳۹۰، "ملاحظات اخلاقی و حقوقی در کاربرد محصولات تراریخته با نگاهی به قانون ملی ایمنی زیستی"، اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۶، شماره ۱، ص ۴۹.

2. Universal Declaration on Human Right, op.cit, Art. 19.

۳. عباسی، محمود، کاظمی، عبدالحسین (۱۳۸۷)، مواد غذایی تراریخته و حقوق مصرف‌کننده، فصلنامه اخلاق در علوم و فن آوری، شماره ۳، تهران، ص ۴۷.

از طرف شرکت‌های فعال در زیست فناوری در خصوص ایمنی محصولات غذایی تراریخته بیان می‌شود، به دلیل خودداری این شرکت‌ها در برچسب گذاری محصولاتشان افزایش یافته است. موضوعی که موجب سلب حق انتخاب آگاهانه از مشتریان می‌شود. دسترسی آسان به اطلاعات حقیقی و بیطرف، توسط مصرف کننده درباره تراریخته‌ها، ابزار ارزشمندی برای کاهش بی اعتمادی مصرف کننده خواهد بود. اطلاع از تراریخته بودن مواد غذایی، حقی است که عموم مردم استحقاق آن را دارند. اما حقوق مصرف کنندگان، در صورت فقدان برچسب تراریخته، در بازار مصرف زیر پا گذاشته می‌شود.

جایگاه حق اطلاع رسانی در خصوص مواد غذایی ژنتیکی در اسناد حقوق بشری

در عصر کنونی بیشتر مواد غذایی در دسترس بشر با اصلاحات ژنتیک همراه بوده است و این علم در کشور ما نیز راه یافته است به این ترتیب باید موضع نظام حقوقی ایران در قبال این محصولات روشن و مشخص گردد.

اسناد پایه‌ای حقوق بشر و حق اطلاع رسانی

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر: طبق ماده نوزده این اعلامیه: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد، حق مزبور شامل..... کسب اطلاعات و افکار، اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل و بدون ملاحظات مرزی است»^۱. اعلامیه ماده مستقلی به آزادی دریافت اطلاعات، اختصاص نداده است. تنها در قالب حمایت از آزادی بیان، از آزادی اطلاعات نیز حمایت نموده است.

پیشنهاد جایگزین ساختن کلمه «جستجو» یا «جمع آوری» که منجر به حذف جستجوی فعال در جمع آوری اطلاعات می‌گردید، در مجمع عمومی سازمان ملل مورد پذیرش، واقع نشد. زیرا بسیاری از کشورها، معتقد بودند که گام‌های فعال برای تهیه و مطالعه اطلاعات باید مورد حمایت قرار گیرد. اطلاعات، به مفهوم واقعی، یعنی دانش به هر شکل انتقال پذیر یا به بیان دیگر، اطلاعات می‌تواند هر قالب و شکلی را بپذیرد. اگر به جمله آخر ماده نوزده توجه شود، مشخص می‌شود که آزادی دریافت اطلاعات و انتقال اطلاعات با یکدیگر آورده شده است. در حقیقت این دو لازم و ملزوم یکدیگر بوده و یکی بدون دیگری بی معنا خواهد بود.^۲

۲- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: بر اساس بند دوم ماده نوزده میثاق: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به سرحدات، خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر، به انتخاب خود است»^۳ همانند اعلامیه

1. Universal Declaration on Human Right, op.cit.art. 19.

۲. حبیبی، محمد حسن (۱۳۸۲)، بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی، نشریه حقوق اساسی، شماره ۱، ص ۸۵.

3. International Covenant on Civil and Political Rights, op. cit, Art.19 (2).

جهانی حقوق بشر، ماده نوزده میثاق، در قالب حمایت از حق آزادی عقیده و بیان از آزادی اطلاعات حمایت کرده است. بند دوم ماده مذکور که از محتوای آزادی بیان سخن می‌گوید، آنرا شامل آزادی جستجو، دریافت و اشاعه اطلاعات و عقاید مختلف صرفنظر از مرزها در اشکال شفاهی، مکتوب و از طریق هر گونه رسانه می‌داند.

جایگاه حق اطلاع رسانی در اسناد حقوق بشری الزام آور

۱- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: طبق ماده ده این کنوانسیون: «هر کس از حق آزادی بیان برخوردار است این حق، شامل آزادی داشتن عقاید، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه بدون توجه به مرزها و بدون دخالت مقامات عمومی است. این ماده با ماده نوزده اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، این تفاوت را دارد که تنها حق دریافت و انتقال اطلاعات را مورد حمایت قرار می‌دهد نه حق جستجوی اطلاعات را در همین راستا کمیته وزرای شورای اروپا نیز توصیه نامه شماره دو را در باره دسترسی به اسناد دولتی در سال ۲۰۰۲ میلادی تصویب نمود. براین اساس کشورهای عضو اتحادیه مکلف شده‌اند قوانین و مقررات خود را با توصیه نامه مذکور هماهنگ کنند یا قوانین جدیدی بر اساس این توصیه نامه وضع نمایند. این توصیه نامه تأثیر زیادی بر نظام بین المللی آزادی اطلاعات داشته است.^۱

با استناد به موارد فوق دعوایی توسط اتحادیه آزادی‌های مدنی مجارستان علیه دولت مجارستان در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شد. دیوان ضمن رسیدگی به دعوی مذکور به صراحت اذعان داشت که: «دریافت و دسترسی به اطلاعات پیش شرط آزادی بیان است چرا که اعضای جامعه بدون مطلع شدن از حقایق نمی‌توانند تصمیم قاطعی را اتخاذ کنند». بر این اساس دیوان دولت‌ها را مکلف به ارائه اطلاعات لازم بخصوص موارد مرتبط با منافع عمومی نموده است، تعهدی که در صورت عدم انجام منجر به نقض حقوق بنیادین بشری از جمله حق دانستن خواهد شد.^۲

۲- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر: در ماده سیزده این کنوانسیون با عنوان آزادی بیان و عقیده آمده است: «۱- هر کس از حق آزادی بیان و عقیده برخوردار است. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید از هر نوع می‌باشد، بدون توجه به حد و مرز، به صورت کتبی یا شفاهی، به شکل آثار هنری یا هر وسیله ارتباط جمعی دیگر به انتخاب شخص. ۲- این حق نباید محدود شود مگر براساس قانون، آنهم برای تضمین: ۱- احترام به حقوق دیگران با حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی یا اخلاق و سلامت جامعه» دیوان آمریکایی حقوق بشر در نظر مشورتی خود، پیرامون تفسیر ماده سیزده اشعار می‌دارد: «مطابق این ماده، کسانی که کنوانسیون

۱. محسنی، وجیهه، هاشمی، محمد، جاوید، محمد جواد، عباسی، بیژن، (۱۳۹۸) تحلیل حقوقی نسبت سنجی حق دسترسی عموم به اطلاعات با تحقق حقوق شهروندی با تأکید بر نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، ص ۲۸۹.
۲. محسنی، هاشمی، جاوید، عباسی، همان، ص ۲۸۷.

در موردشان اجرا می‌شود، نه فقط حق و آزادی در بیان افکارشان دارند. بلکه حق تحقیق، دریافت و انتقال آن اطلاعات را از هر نوع که باشد، دارند و حق اطلاعات به عنوان یک حق بنیادین بشری به رسمیت شناخته شده است. به نظر دیوان نباید، هیچ کس را به طور خودسرانه از بیان عقایدش منع نمود و این یک حق فردی است و از جهت دیگر بر حق جمعی دریافت هر نوع اطلاعات و دسترسی به افکار بیان شده توسط دیگران، دلالت می‌کند. دیوان در ادامه می‌افزاید، این حق هر شهروند معمولی است که از عقاید دیگران مطلع شود و به اطلاعات دسترسی داشته باشد.

۳- منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (منشور بانجول): براساس ماده نه این منشور: «همه افراد حق دارند که اطلاعات را دریافت داشته و عقایدشان را آزادانه بیان کنند». در این منشور نیز حق دریافت اطلاعات همراه با آزادی بیان آورده شده است. به طور ضمنی می‌توان استنباط نمود که هدف از آوردن این جملات هم آزادی دریافت اطلاعات بوده و هم آزادی انتشار آنها، که بخش اخیر در قالب آزادی بیان آورده شده است.

۴- جایگاه حق اطلاع رسانی در اسناد حقوقی نرم: در کنار استاد حقوقی الزام آور بین المللی، کنفرانس‌های بین المللی و اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های توصیه‌ای نیز وجود دارند که وفاق عمومی جهانی بر هنجارهای مرتبط با «حق دانستن» و دریافت اطلاعات را نشان می‌دهند. از جمله موارد قابل توجه در این زمینه قطعنامه (۱) ۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است. که در سال ۱۹۴۹ میلادی به تصویب رسید. در این قطعنامه مجمع عمومی بیان داشت که: «آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشری و سنگ ستون همه آزادی‌هایی است که ملل متحد خود را وقف آنها کرده است». از دیگر اقدامات مجمع عمومی سازمان ملل متحد، صدور اعلامیه حقوق و مسئولیت افراد، گروه‌ها و نهادهای جامعه جهت ارتقاء و حمایت جهانی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین در سال ۱۹۹۸ میلادی است: بر اساس ماده شش این اعلامیه: «هر فردی حق دارد به طور فردی یا جمعی به موارد زیر مبادرت ورزد:

تعهدات حقوقی دولت‌ها در زمینه حق اطلاع رسانی

در خصوص ماهیت حقوقی حق دریافت اطلاعات و دانستن و تعهدات دولت‌ها در این زمینه، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. بر اساس یک نظریه، این حق در مقوله آزادی‌ها قرار دارد اما برای اینکه بتواند در قالب یک موضوع حقوقی، ضمانت اجرا پیدا کند، نیازمند حمایت و مداخله دولت است. اما بر اساس نظریه دیگر، این حق در زمره حق آزادی‌ها قرار دارد، فلذا برای تحقق آن، جامعه نیازمند عدم مداخله دولت است. در مجموع، هر دو نظر فوق علیرغم اختلاف در مبنا، به لحاظ نتیجه با یکدیگر شباهت دارند. به این دلیل که اعمال این حق نیازمند وضع قانون نیست، اما در مواردی نیز وضع قانون و حمایت دولت‌ها جهت تأمین اجرای حق، ضروری است. به

۱. خالقی، کیومرث (۱۳۷۸)، فعالیت سازمان ملل متحد در قلمرو حق آزادی بیان، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، ص ۳۹.

همین دلیل مسئولیت دولت‌ها در این زمینه در قالب تعهدات منفی و تعهدات مثبت آورده شده است. در این رابطه توجه به ماده دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ضروری است. به موجب پاراگراف اول این ماده: «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچ گونه تمایزی..... محترم شمرده و تضمین نمایند». ماده نوزده میثاق نیز که به حق بر دسترسی به اطلاعات و دانستن اشاره می‌کند، باید با توجه به ماده دو تفسیر شود. از سوی دیگر به دلیل آنکه عرصه اصلی اجرای حقوق بشر، عرصه حقوق داخلی است، بررسی جایگاه «حق دانستن» به عنوان تعهدات حقوق داخلی دولت‌ها، ضروری به نظر می‌رسد. بر اساس بند سوم ماده نوزده: «اعمال حق بر دریافت اطلاعات و اشاعه آن..... مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف) احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی با سلامت و اخلاق عمومی». محتوای تعهدات و ساز و کارهای تضمین «حق دانستن» و دریافت اطلاعات، محتوا و ساز و کارهای تضمین حقوق مندرج در میثاق است. از این رو لازم است که نخست ماهیت تعهدات ناشی از میثاق مورد بررسی قرار گیرد و سپس با توجه به آن در مورد ماهیت تعهدات دولت‌های عضو در خصوص تحقق «حق دانستن»، سخن گفته شود.^۱

ماده دو میثاق، حدود و گستره تعهدات حقوقی دولت‌ها در قبال حقوق مطرح شده در میثاق را بیان می‌کند. همانطور که گفته شد طبق بند اول این ماده، تعهدات دولت‌های عضو، فقط محدود به شهروندانشان نیست، بلکه فارغ از شرط تابعیت، این تعهدات در مورد تمام افراد تابع حاکمیتشان قابل اجراست. تعهدی که به زعم کمیته حقوق بشر در تفسیر شماره سی و یک خود، دارای اثر فوری بوده، اعمال هر نوع شرط که خلاف هدف و موضوع میثاق باشد بر این تعهدات ممنوع و هیچ توجیه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در توجیه قصور در اجرای تعهدات مزبور پذیرفته نخواهد بود. همچنین کمیته معتقد است کاربرد عبارت «تضمین» در بند اول ماده دو، نشانگر شناسایی این مطلب است که دولت‌های عضو میثاق مکلف هستند از نقض حقوق مندرج در میثاق توسط ماموران دولتی و البته اشخاص خصوصی از جمله شرکت‌های تجاری، جلوگیری نمایند، این تعهد، تعهد به وسیله است و نه تعهد به نتیجه. همچنین در بند دوم ماده ۲ از عبارت «تعهد به احترام» استفاده می‌کند. این عبارت نسبت به کلمه تضمین، از الزام کمتری برخوردار بوده و به زعم کمیته، وظیفه احترام به حقوق بنیادین مطرح شده در میثاق حتی در رابطه میان اشخاص خصوصی از جمله شرکت‌های تجاری قابل استناد است.^۲

۱. ممتاز، جمشید (۱۳۹۷)، حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی (ترجمه حسین شریفی طراز کوهی)، تهران: نشر دادگستر، ۴۵.
۲. همان، ص ۵۹.

تعهدات داخلی دولت‌ها در زمینه حق اطلاع‌رسانی

این امر به خوبی روشن است که صرف اعلام و تأکید و تأیید حقوق بشر برای تحقق آن حقوق کافی نیست، بلکه تعهدات لازم‌الاجرا شده در مورد آنها باید به مرحله اجرا و انجام برسد. بر اساس حقوق بین‌الملل، تعهد اساسی در تحقق «حق دانستن» بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است. بر اساس بند دوم ماده دو میثاق: «هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌شود که بر طبق اصول اساسی خود و مقررات میثاق، اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلاً به موجب قوانین موجود با تدابیر دیگر لازم‌الاجرا نشده است به عمل آورد». با توجه به محتوای این بند کمیته معتقد است دولت‌های عضو میثاق می‌توانند راه و روش مناسب برای تحقق حقوق مطرح شده در میثاق از جمله «حق دانستن» را با صلاحدید خود اتخاذ نمایند. بر اساس پاراگراف هفتم تفسیر شماره سی و یک: «دولت‌های عضو میثاق متعهدند که از طریق قانونگذاری، تصویب مقررات اجرایی و فراهم نمودن امکان اقامه پذیرد دعوا در خصوص نقض حقوق مطرح شده در میثاق و هر اقدام مناسب دیگری به تشخیص خودشان، تعهدات ناشی از میثاق را اجرا نمایند. همچنین بر اساس پاراگراف سیزده تفسیر شماره سی و یک: «کمیته از دولت‌های عضو میثاق خواسته است، قوانین ملی را که در تعارض با حقوق مطرح شده در میثاق هستند نسخ یا اصلاح کرده و قوانین جدیدی مطابق با استانداردهای میثاق تدوین نمایند». بنابراین تأمین اجرای حقوق مطرح شده در میثاق، از جمله «حق دانستن» نیازمند حمایت دولت‌هاست. در این زمینه دولت‌ها هم تعهد مثبت دارند یعنی مکلفند که از افراد تحت صلاحیتشان در برابر اقدامات ناقض حقوق آنها، از جمله فعالیت‌های خلاف حقوق بشری شرکت‌های تجاری محافظت کنند و همچنین شرایط لازم برای اجرای حقوق مطرح شده در میثاق را بوسیله تصویب قوانین مناسب فراهم سازند. از سوی دیگر دولت‌ها در این زمینه تعهد منفی نیز دارند. به این ترتیب که متعهد هستند از اتخاذ اقداماتی که مانع اجرا و تضمین حقوق مطرح شده در میثاق می‌شود، خودداری کنند. همچنین بر اساس پاراگراف اول بند سوم ماده دو: «هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌شود، برای هر شخصی که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد، وسیله مطمئن احقاق حقوق فراهم شود. هر چند که نقض حقوق بوسیله اشخاصی صورت گرفته باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده باشند. بنابراین دولت‌ها در قبال اقدامات مأموران خود که موجب نقض حقوق مندرج در میثاق می‌شود مسئولیت داشته و متعهد هستند شرایط لازم برای جبران خسارت وارد شده به فرد زیان دیده را فراهم کنند والا به دلیل قصور در اجرای تعهدشان، مسئول شناخته خواهند شد. در این مورد نیز شیوه احقاق حق به صلاحدید دولت‌ها واگذار شده است. تا شیوه مناسبی برای جبران خسارت وارده فراهم کنند.^۱

۱. رزمخواه، زینب، (۱۳۹۶) حقوق بشر و زیست فناوری تراریخت: چالش‌ها و راهکارها، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران، ص ۱۲۵.

تعهدات دولت‌ها در خصوص شرکت‌های تولیدی مواد غذایی و حق اطلاع‌رسانی

از جمله موارد قابل توجه در خصوص تعهدات مثبت دولت‌های عضو میثاق، تعهدی است که آنها در خصوص اتخاذ اقدامات مناسب به منظور حفاظت از حقوق افراد تحت صلاحیت خود در برابر تعدی اشخاص ثالث از جمله شرکت‌های تجاری دارند. بر اساس پاراگراف سوم ماده دو میثاق: «هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌شود: الف) تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد وسیله مطمئن احقاق حق فراهم شود». البته کمیته در تفسیر شماره سی و یک در مورد ماده دو از تحمیل مسئولیت اجرای حقوق مطرح شده در میثاق بر شرکت‌های مزبور و پذیرش امکان اقامه دعوا علیه آنها به دلیل نقض مفاد میثاق خودداری کرده و به صراحت اذعان داشته است که پذیرش دعاوی بر اساس پروتکل الحاقی میثاق، مربوط به موارد نقض تعهدات دول عضو بوده و به اشخاص خصوصی مربوط نیست. اما این موضوع به معنی صدور مجوز برای نقض حقوق بشر و فرار از مسئولیت نیست، چرا که در ادامه کمیته، دولت‌های عضو میثاق را مسئول غیر مستقیم عملیات خلاف شرکت‌های تجاری دانسته است، اگر که در انجام کنترل و نظارت‌های لازم بر فعالیت‌های آنها به منظور تأمین حقوق مطرح شده در میثاق و همچنین تعقیب قضایی خاطیان به منظور جبران خسارت‌های وارد شده، قصور ورزند. همانطور که در بند دوم پاراگراف سوم ماده دو آمده است: «دولت‌های عضو متعهد هستند، تضمین کنند مقامات صالح قضایی، اداری یا مقننه یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد، درباره شخص دادخواست دهنده احقاق حق کند و همچنین امکانات تظلم به مقامات قضایی را توسعه دهد. به همین دلیل دولت‌های عضو میثاق متعهد هستند که به صلاحدید خود با اتخاذ اقدامات مناسب از جمله تصویب قانون و مقررات اجرایی، نظارت و کنترل‌های لازم را بر نحوه فعالیت‌های شرکت‌های تجاری به منظور ممانعت از نقض اصول بینادین حقوق بشر از جمله حق بر دریافت اطلاعات و دانستن انجام دهند و هر زمان که تحقیقات انجام شده توسط دولت‌های متعهد، آشکار نمود که فعالیت‌های شرکت‌های تجاری منجر به نقض حقوق مزبور شده است، پیگیری‌های قضایی لازم را انجام داده تا خاطی ملزم به جبران خسارت وارده شود. قصور در هر یک از موارد مطرح شده، موجب ایجاد مسئولیت برای دولت خاطی خواهد شد. این تعهد در سراسر قلمرو تحت صلاحیت دولت‌های عضو لازم الاجرا است.^۱

بررسی ابعاد حقوقی برچسب‌گذاری محصولات غذایی ژنتیکی (حق اطلاع‌رسانی)

در حال حاضر بر سر مصرف یا عدم مصرف مواد غذایی حاوی سازواره‌های تراریخته جدال جهانی برپا است. افزایش نگرانی مصرف‌کنندگان نسبت به مواد غذایی مزبور منجر به اقدام برخی کشورها در خصوص ایجاد قوانینی

۱. همان، ص ۱۳۲.

در مورد برچسب گذاری این فراورده ها شده است. موافقین برچسب گذاری محصولات غذایی تراریخته، این امر را تنها راه اطلاع رسانی به مصرف کنندگان دانسته و معتقدند که مصرف کننده باید حق انتخاب داشته باشد.

برچسب گذاری محصولات غذایی ژنتیکی در قوانین ملی و بین المللی

مصرف کنندگان، حق دارند آزادانه و آگاهانه، انتخاب کنند که چه غذایی بخورند یا نخورند. بحث برچسب گذاری محصولات غذایی حاوی ترکیبات تراریخته، مدت هاست که نگرانیها و مجادلاتی را مطرح کرده است. اغلب مجادلات مطرح شده مربوط به تبعات این محصولات برای سلامت فردی از یک سو و تبعات تجاری آن از سوی دیگر است. اغلب شرکت های زیست فناوری با اجباری شدن برچسب گذاری محصولات غذایی تراریخته مخالف هستند و علاوه بر آن، قوانین ملی و بین المللی نیز در این رابطه، از چندان هماهنگی و یکنواختی مناسبی برخوردار نیست. این مشکلات در حالی وجود دارد که همگان در سطح جهان به وجود حق بشری بر دانستن معترف بوده و آن را به عنوان یک اصل بنیادین حقوق بشری به رسمیت می شناسند.¹ فقدان برچسب گذاری محصولات غذایی تراریخته، در بازار مصرف، حقوق مشتریان را درباره انتخاب نوع غذای مصرفی به خطر می اندازد. در نتیجه بدون تصمیم آنها انواع مواد غذایی تراریخته، بر سر سفره هایشان حاضر می شود.

سطح ملی

کشورهای مختلف، رویکردهای متفاوتی در این زمینه اتخاذ نموده اند. سوئیس به عنوان یکی از کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، قوانینی در زمینه برچسب گذاری اجباری محصولات غذایی تراریخته در سال ۱۹۹۵ میلادی تصویب نموده است. آمریکا، کانادا و آرژانتین که در مجموع بیش از هشتاد درصد از کل میزان تولیدات بذره های تراریخته را در سطح جهان به خود اختصاص داده اند، برچسب گذاری، اختیاری بوده و اساساً در مورد محصولات غذایی که حاوی بیش از پنج درصد ترکیبات تراریخته هستند، قابل اجرا است. اداره غذا و داروی آمریکا برچسب گذاری محصولات غذایی تراریخته را اجباری ندانسته، مگر آنکه غذاهای حاوی سازواره های تراریخته، از همتای معمولی خود «بسیار متفاوت» باشند. البته در خصوص مفهوم و معیار عبارت «بسیار متفاوت» توضیحی داده نشده است.

اکثر کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی در مورد برچسب گذاری مقرراتی ندارند. علاوه بر آن بعضی مقررات، فقط سویا و ذرت را تحت شمول قانون برچسب گذاری قرار داده اند و بعضی قوانین، انواع غذاها را نیز مشخص و حتی غذاهای رستورانها را نیز تحت شمول مقررات برچسب گذاری قرار داده اند.

در ایران نیز، تلاش هایی در این خصوص صورت گرفته است از جمله تصویب قانون «ایمنی زیستی» در شهریور

1 - Bernstein, JA (2003), Clinical and Laboratory Investigation of Allergy to Genetically Modified Foods. Environ Health Prospect, no. 111, p 1114.

ماه سال ۱۳۸۸ است. مطابق بند ب ماده هفت این قانون: «کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که قصد واردات، صادرات و یا حمل و نقل داخلی و فرامرزی موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی موضوع این قانون را دارند، موظفند: شرایط لازم از نظر بسته بندی و حمل و نقل و برچسب گذاری را رعایت نمایند. در قانون مزبور، تعیین شرایط بسته بندی و برچسب گذاری بر عهده شورای ملی ایمنی زیستی نهاده شده است.^۱

سطح بین المللی

اتحادیه اروپا

در اتحادیه اروپا، برچسب گذاری به عنوان جزء لاینفک «حق دانستن» مصرف کنندگان پذیرفته شده است.^۲ اتحادیه اروپایی مقررات دقیق و سخت گیرانه ای در زمینه برچسب گذاری ارائه داده است. طبق بند اول ماده ۱۲۹ معاهده آمستردام: «به منظور حفظ منافع مصرف کنندگان و تضمین بهره مند شدن آنها از حمایت‌های کافی، اتحادیه باید در حفظ سلامت و ایمنی مصرف کنندگان و تأمین حق آنها در دریافت اطلاعات مشارکت کند. در این ماده به صراحت، حق مصرف کنندگان بر مطلع شدن و دانستن، به رسمیت شناخته شده است. موضوعی که مبنای لازم را برای تصویب مقررات برچسب گذاری محصولات غذایی، در چارچوب اتحادیه اروپا فراهم نموده است. پیرامون موضوع برچسب گذاری محصولات غذایی تراریخته سه مجموعه مقررات در سطح اتحادیه تصویب شده است:

- دستورالعمل شماره ۲۵۸/۹۷ پارلمان اروپا و شورای اروپایی

طبق بند اول ماده یک دستورالعمل: «مقررات حاضر به وضعیت محصولات غذایی جدید در بازار مصرف کالا در اتحادیه اروپایی می‌پردازد». بند دوم همین ماده نیز لیستی از مواد غذایی جدید که مشمول مقررات دستورالعمل شماره ۲۵۸ فرا می‌گیرند، ارائه می‌کند. بر اساس پاراگراف اول این بند، مواد غذایی حاوی سازواره های تراریخته و یا مواد غذایی حاصل از فراوری محصولات حاوی سازواره های تراریخته نیز جزء مواد غذایی جدید محسوب شده‌اند. ماده شماره سه دستورالعمل، شرایط لازم به منظور تأیید و پذیرش محصولات غذایی جدید از جمله محصولات غذایی تراریخته، در بازار مصرف اتحادیه را مشخص می‌کند. از جمله این موضوع که، نحوه عرضه آنها نباید به نحوی باشد که موجب گمراه کردن مصرف کنندگان شود. موضوعی که مورد نظر طرفداران اجباری کردن برچسب گذاری محصولات غذایی تراریخته است.

۱. مهاجر، صفایی، مهدوی، همان، ص ۳۶۵.

۲. اصغری، ابوالفضل (۱۳۹۰)، مجموعه کامل قوانین و مقررات زیست فناوری کاربردی، تهران: انتشارات حقوقی، ص ۶۰۶.

ماده شماره هشت دستورالعمل، ضمن پرداختن به مسائل مرتبط با حفاظت از حقوق مصرف کنندگان، بدون ذکر ویژگی محصولات غذایی که باید مشمول مقررات برچسب گذاری قرار بگیرند، در خصوص شیوه صحیح برچسب گذاری و برچسب مناسب صحبت کرده است. بر اساس ماده هشت: «..... مقررات زیر باید در خصوص برچسب گذاری محصولات غذایی به منظور تضمین اطلاع رسانی صحیح به مصرف کنندگان، رعایت شود.

الف) مشخصات محصول غذایی از جمله ترکیبات و ارزش غذایی در برچسب ذکر شود و همچنین، برچسب باید بیانگر شیوه‌ای که بوسیله آن ویژگی جدید در ماده غذایی بوجود آمده، نیز باشد. با توجه به موارد مطرح شده، در این دستورالعمل شرایط و مقررات برچسب گذاری صحیح در مورد تمام محصولات غذایی جدید، از جمله محصولات غذایی تراریخته، مطرح شده است. از سوی دیگر در مورد نوع مواد غذایی تراریخته و این که با چه شرایطی و چه درصدی از سازواره‌ها تراریخته محسوب می‌شوند، بحث نشده است. لذا به دلیل عدم دقت و توجه به موارد فوق و گسترش نگرانیها در خصوص عوارض و عواقب محصولات غذایی تراریخته در سطح اتحادیه اروپا، دو مجموعه مقررات دیگر که به طور خاص به مسائل مرتبط با برچسب گذاری محصولات غذایی تراریخته پرداخته‌اند، تصویب گردید.

- مقررات شماره ۱۸۲۹ پارلمان و شورای اروپایی در خصوص محصولات غذایی تراریخته و تغذیه با آنها در مقدمه مقررات آمده است: «عرضه محصولات غذایی سالم به عنوان جزء اصلی بازار عرضه کالا در سطح ملی، نقش مهمی در تأمین سلامت و رفاه اجتماعی، اقتصادی مصرف کنندگان ایفاء می‌کند. به دلیل عدم کفایت مقررات شماره ۲۵۸ در ارائه مقررات مناسب در خصوص عرضه صحیح مواد غذایی در بازار مصرف و به منظور تضمین شفافیت و ایجاد یک چارچوب هماهنگ برای تأیید و صدور مجوز مصرف محصولات غذایی تراریخته، مقررات زیر ارائه شده است».

بخش دوم این مقررات با عنوان برچسب گذاری، به طور خاص بحث برچسب گذاری محصولات غذایی تراریخته و جزئیات مربوط به آن را ارائه کرده است. ماده دوازده که در این بخش واقع شده، حد و حدود اعمال مقررات برچسب گذاری مواد غذایی تراریخته را مطرح می‌کند. بر اساس بند اول این ماده: «مقررات بخش دوم (در مورد برچسب گذاری) باید در مورد مواد غذایی حاوی سازواره های تراریخته با مواد غذایی حاصل از فرآوری محصولات حاوی سازواره های تراریخته که در بازار مصرف و یا در رستوران ها، هتل ها، هواپیماها و..... در اختیار مصرف کنندگان قرار داده می‌شود، اجرا گردد». بدین ترتیب، برچسب گذاری باید هم در مورد محصولات غذایی تراریخته‌ای که با هدف استفاده مستقیم به عنوان غذا تولید شده‌اند، اعمال شود و هم در مورد محصولات غذایی فرآوری شده‌ای که دارای ترکیبات تراریخته هستند. به عنوان مثال، سویای تراریخته، شربت گلوکز حاصل از نشاسته ذرت تراریخته و لسیته‌ای حاصل از سویای تراریخته، همگی باید برچسب گذاری شوند. بند دوم ماده دوازده استثنایی را بر مفاد بند اول وارد می‌کند. بر این اساس: «مقررات بخش دوم در خصوص برچسب گذاری، در مورد مواد غذایی تراریخته ای که کمتر از ۰/۹ درصد از ترکیبشان را سازواره های تراریخته تشکیل می‌دهند، لازم الاجرا نیست. به عبارت دیگر، بر اساس مفاد این بند، محصولات غذایی حاوی سازواره های تراریخته و یا حاصل

از فرآوری محصولات تراریخته زمانی باید برچسب گذاری شوند که حداقل ۹/۰ درصد از کل ترکیبشان را سازواره های دستورزی شده، تشکیل داده باشند.^۱

دیوان دادگستری اروپایی در پرونده بایرن به این موضوع پرداخت که آیا محصولات غذایی که به طور ناخواسته حاوی سازواره های تراریخته شده‌اند نیز مشمول مفاد بند اول ماده سه و بند اول ماده چهار مقررات ۱۸۲۹ می‌شوند و باید قبل از عرضه در بازار برچسب گذاری شوند؟ بر اساس بند اول ماده سه: «نظارت و صدور مجوز در مورد محصولات غذایی حاوی سازواره های تراریخته اعمال می‌شود». همچنین بر اساس بند دوم ماده چهار: «مواد غذایی که در بند اول ماده سه به آنها اشاره شد، نباید آثار نامطلوبی بر سلامت انسان داشته باشند، نباید مصرف کنندگان را گمراه کنند و نباید با مواد غذایی معمولی که جانشینشان شده‌اند، چنان فرق داشته باشند که موجب بروز عوارض نامطلوبی برای سلامت مصرف کنندگان شود». دیوان در این قضیه اذعان داشت: «مفاد بند اول ماده سه و بند دوم ماده چهار حاوی تعهد ضمنی برای دول عضو اتحادیه در خصوص لزوم نظارت بر مواد غذایی است. همچنین بند دوم ماده چهار مستلزم صدور مجوز خاص قبل از عرضه محصولات غذایی حاوی سازواره های تراریخته در بازار است. شیوه حضور سازواره های تراریخته (عمد یا غیر عمد) تاثیری در اجرای این مقررات نداشته و باید محصولات غذایی حاوی سازواره های تراریخته مطابق مقررات اتحادیه اروپا، بررسی شده و مجوز لازم برای آنها صادر و سپس برچسب گذاری شوند. با توجه به وجود نگرانیهای گسترده در خصوص عواقب محصولات غذایی تراریخته برای سلامتی و حیات مصرف کنندگان، اتحادیه مقررات ۱۸۳۰ را متعاقب مقررات شماره ۱۸۲۹ در خصوص برچسب گذاری تدوین و تصویب نمود.

- مقررات شماره ۱۸۳۰ پارلمان و شورای اروپایی

ماده ۱ مقررات، هدف از تدوین مقررات شماره ۱۸۳۰ را اینگونه بیان می‌کند: «هدف از تصویب مقررات حاضر، فراهم نمودن یک چارچوب (مناسب) برای شناسایی محصولات غذایی حاوی سازواره های تراریخته، تسهیل فرایند برچسب گذاری دقیق، صحیح و نظارت بر آثار محصولات غذایی تراریخته بر سلامت مصرف کنندگان است». همچنین بر اساس ماده ۲ مقررات که بیانگر موارد تحت شمول آن است: «مقررات مزبور باید در تمام مراحل عرضه محصولات تراریخته که با هدف استفاده مستقیم به عنوان غذا تولید شده‌اند و یا محصولات غذایی حاصل از فرآوری ترکیبات تراریخته، اجرا شود». محصولات غذایی که با استناد به ماده ۴ همین مقررات، به صورت بسته بندی شده در بازار عرضه می‌شوند و یا بدون بسته بندی در معرض دید مصرف کنندگان قرار داده می‌شوند، همگی باید برچسب گذاری شده باشند. از جمله نکات قابل توجه در این مقررات مفاد بند ۲ ماده ۳ است. بر اساس این

۱. راسخ، محمد (۱۳۸۳)، بیوتکنولوژی و انسان، مسائل و دیدگاهها، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، تهران، ص ۴۱.

بند که به تعریف عبارت "تولید شده از سازواره های تراریخته" پرداخته، محصولات غذایی تولید شده از سازواره های تراریخته مشمول مقرات ۱۸۳۰، محصولاتی است که در کل و یا به صورت جزئی، حاصل از دستور زیه های ژنتیکی باشند، حتی اگر حاوی یا متشکل از آن سازواره ها نباشند. همانطور که از مفاد این بند، بر می آید، مقرات ۱۸۳۰ نسبت به مقرات ۱۸۲۹ دامنه شمول وسیع تری داشته و کلیه مواد غذایی حاصل از دستور زیه های ژنتیکی را، حتی آنهایی که DNA یا پروتئین حاصل از دستوری، در محصول نهایی شان قابل شناسایی نباشد، مشمول مقرات برجسب گذاری خود کرده است.^۱

دیوان دادگستری اروپایی (ECJ)

دیوان دادگستری اروپایی در برخی از پرونده های خود به بحث برجسب گذاری پرداخته است از جمله پرونده «GoWan Comercio Internacionale Serviciosv Ministero della Salute». شعبه دوم دیوان در این قضیه، به موضوع امکان اعمال و نحوه اجرای «رویکرد مبتنی بر احتیاط» پرداخت. این قضیه از آن جهت به بحث برجسب گذاری مرتبط است که مبنای دیدگاه برجسب گذاری اجباری مبتنی بر این اعتقاد است، که احتمال ایجاد عوارض ناخواسته به دلیل مصرف محصولات غذایی تراریخته، وجود دارد. لذا دادن هشدار و اتخاذ رویکرد مبتنی بر احتیاط ضروری است. در این پرونده، شعبه دیوان معتقد بود که: «با توجه به اینکه اصل احتیاط جزء لاینفک شیوه های حمایت از ایمنی و سلامت انسان است، لذا جزء سیستم عرضه محصولات در بازار نیز محسوب می شود و اعمال این اصل، یکی از ابزارهای لازم جهت کنترل خطر است». بدین ترتیب، شعبه دوم دیوان معتقد است، به منظور مدیریت خطر، رعایت اصل احتیاط ضروری است. بنابراین با توجه به این که برجسب گذاری نیز جزء «رویکرد مبتنی بر احتیاط» محسوب می شود، پس اعمال آن برای تضمین سلامت و ایمنی مصرف کنندگان واجب است.^۲

ضمانت اجرای داخلی عدم اطلاع رسانی درباره محصولات ژنتیکی

در این مبحث ضمانت اجرای ناشی از نقض تعهد اطلاع رسانی در مورد مواد غذایی ژنتیکی بررسی می گردد. غالباً کسانی که از مصرف محصولات متضرر می شوند هیچ رابطه قراردادی با تولید کننده و یا عرضه کننده ندارند و لذا در اینجا مسوولیت مدنی به مفهوم خاص خود ایجاد می شود که به شرح ذیل بیان می شود.

۱. مایر، فدریکو (۱۳۷۷)، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه (ترجمه محمد جعفر پوینده)، تهران: نشر نی، ص ۵۹.
۲. مددی، صادق ۱۳۸۸، مسوولیت مدنی تولیدکنندگان و فروشندگان کالا، تهران: موسسه مطالعات و مشاوره حقوقی وکلای ایران زمین با همکاری نشر میزان، چاپ اول، ص ۵۸.

مسئولیت مدنی ناشی از نقض اطلاع‌رسانی

در این قسمت مبنای مسئولیت مدنی ناشی از نقض اطلاع‌رسانی شامل مسئولیت بر مبنای تقصیر و مسئولیت بر مبنای نظریه مسئولیت محض بررسی می‌شود.

فرض تقصیر

تقصیر واژه‌ای عربی به معنای کوتاهی، گناه و خطا بکار می‌رود و در اصطلاح حقوقی اعم است از تفریط و تعدی. تقصیر به عنوان مبنای عمده مسئولیت مدنی در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان پذیرفته شده است. در ماده ۹۵۳ قانون مدنی تقصیر اعم از تعدی و تفریط دانسته شده که با لحاظ مواد مربوط به تعدی و تفریط، تقصیر را از لحاظ قانون مدنی می‌توان چنین تعریف کرد: تقصیر عبارت است از ترک عملی که شخص ملزم به انجام آن است یا ارتکاب عملی که شخص از انجام دادن آن منع شده است. تقصیر به معنای وسیع در امور حقوقی و جزایی مفهوم مشترکی داشته عبارت است از رفتار خلاف اخلاقی که قانون آن را منع می‌کند. بدون مجوز قانونی بودن عملی که سبب ورود خسارت شده، در صورتی موجب مسئولیت است که عمل مزبور در عین حال از مصادیق تقصیر باشد. (قاسم زاده، ۱۳۸۹: ۶۲) الزام‌های بدون قرار داد و مسئولیت‌های ناشی از آن سه شاخه بنیادی دارد: ۱- لزوم زندگی بی ضرر و بی خطر، ممنوعیت اضرار به دیگران و مسئولیت مدنی برای جبران ضرر وارد به دیگری. ۲- لزوم احترام به اموال و حقوق دیگران، ممنوع بودن استیلا بر آن و مسئولیت ناشی از آن. ۳- تعلق منافع، ارزش‌ها و حاصل کارکردهای مادی و فکری اشخاص به خود آنان، لزوم احترام به ارزش‌های متعلق به دیگران، ممنوع بودن بهره‌مندی بدون سبب و مجانی از مال یا کار مردم و مسئولیت ناشی از استیفاء^۱

در هر مورد که شخص موظف به جبران خسارت به دیگری است، می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است. این قاعده عادلانه از دیر باز وجود داشته است که هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند مگر در مواردی که اضرار به غیر به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است ناروا و نامتعارف جلوه نکند. در حقوق کنونی نیز مبنای مسئولیت مدنی همین قاعده است. منتها چون زیان‌هایی که از کار اشخاص به دیگران می‌رسد گاه لازمه زندگی اجتماعی است، همه بحث‌ها برای این است که معلوم شود در کجا زیان وارد شده ناروا و خلاف عرف است و باید جبران شود و در چه مورد باید آن را به حکم ضرورت تحمل کرد. مسئولیت غیر قراردادی که به ضمان قهری نیز معروف شده، ویژه فرضی است که شخص از تعهدهای قانونی و عمومی خود سرپیچی کرده و در نتیجه به دیگری ضرر برساند. در پاسخ به این پرسش که چرا شخص در برابر دیگری مسؤول جبران خسارت می‌شود؟ پیروان نظریه تقصیر گفته‌اند کسی را باید مسؤول شناخت که از نظر اخلاقی نسبت به

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید ۱۳۷۸، حقوق تعهدات، جلد ۱، تهران: انتشارات نشر میزان، ص ۱۸۷.

کاری که انجام داده است، قابل ملامت باشد. بر طبق این نظر مسوولیت مفهومی اخلاقی است؛ هر کس باید در گرو خطاهای خود باشد و به طور نوعی نمی‌توان در این باره داوری کرد. بر مبنای نظریه تقصیر برای این که زیان دیده بتواند خسارت خود را از کسی بخواهد باید ثابت کند که تقصیر او سبب ورود خسارت شده است.^۱

فرض مسوولیت محض

از اواخر سده نوزدهم نظریه تقصیر جاذبه اخلاقی خود را از دست داد. دلیل سست شدن اعتقاد عمومی نسبت به مبنای نظریه مذکور این بود که طبقه کارگر و مصرف کننده نمی‌توانست در دعوای جبران خسارت تقصیر کارفرما و تولید کننده را اثبات کند. وانگهی حوادثی رخ داد که در زمره حوادث پیش بینی نشده جهان صنعت بود. هیچ کس تقصیری نداشت و خسارت را در واقع شیوه زندگی نو به وجود می‌آورد. بدین ترتیب جمعی در پناه قانون و از راه مشروع سودهای سرشار می‌بردند و زیانی نمی‌پرداختند. برای رفع این عیوب نظریه تقصیر از دو جهت تعدیل شده است: ۱- گسترش مسوولیت های قراردادی: در مسوولیت های قراردادی کافی است زیان دیده ثابت کند که طرف او به تعهد خویش عمل نکرده است؟ پس اگر بتوان تکلیف عامی را که اشخاص درباره احتیاط کردن و ضرر نزدن به دیگران دارند به قراردادی منسوب کرد، زیان دیده از اثبات تقصیر معاف می‌شود. ۲- استفاده از آماره های قانونی و قضایی در اثبات تقصیر: در پاره ای امور قانون گذار تقصیر عامل ورود زیان را مفروض می‌داند تا زیان دیده را از اثبات آن معاف کند. گاه نیز دادگاه از آماره های قضایی برای اثبات تقصیر استفاده می‌کند چنان که وقتی فروشنده متخصص کالای معیوبی را می‌فروشد، فرض می‌شود که او از عیب آگاه بوده است. بسیاری از حقوقدانان مسوول شناختن فروشنده را بر مبنای تقصیر او کافی نمی‌دانند. آنچه بیشتر این فکر را دامن می‌زند، دشواری اثبات تقصیر تولیدکنندگان بزرگ از طرف مصرف کننده عادی است. در این گونه دعوای یا خواهان نمی‌تواند تقصیر خوانده قدرتمند را ثابت کند یا خوانده خطایی نکرده تا مسوول نتایج آن باشد. نتیجه این می‌شود که هرکس زیانی در این راه بیند، از بیم روبرو شدن با شکست و تحمیل هزینه بیهوده دادرسی و اتلاف وقت ترجیح می‌دهد که به دادگاه نرود یا تصمیم می‌گیرد که خود دادرسی کند و انتقام بگیرد یا تضرر خویش را به بخت بد و قضاء و قدر منسوب می‌کند. به حکم عقل و منطق سلیم اجتماعی سازنده و تولید کننده باید در کار خود تخصص داشته و میزان یا استاندارد کالای تولیدی را رعایت کند وگرنه مرتکب تخلف یا تقصیر شده و خسارت ناشی از تولیدات خود را باید جبران کند. برای تحقق تقصیر سازنده و تولید کننده، قصد و عمد لازم نیست بلکه برای مسوولیت وی احراز تقصیر نوعی کافی است. با وجود این هرگاه سازنده مرتکب تقصیر شخصی شود، مسوولیت کیفری نیز خواهد داشت. مسوولیت مبتنی بر تقصیر (شخصی یا نوعی) سازنده و تولید کننده با مسوولیت بدون تقصیر او بر مبنای تعهد

۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹) وقایع حقوقی - مسوولیت مدنی، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، تهران، ص ۶۹.

ایمنی کالا و تولیدات منافاتی نداشته و سبب این تعهد ممکن است اراده متعهد یا قانون‌گذار باشد.^۱ طرح نمونه جامعه اروپایی و قانون مدنی فرانسه برای تولیدکننده مسوولیت محض قائل شده‌اند. در فرانسه برای کسانی که در اثر محصولات خطرناک یا تولیدات معیوب آسیب دیده‌اند، درجه بالایی از حفاظت و جبران‌هایی تحت هر دو قواعد عمومی قرارداد خرید و فروش و مسوولیت مدنی (شبه جرم) در نظر گرفته شده است. در مسوولیت محض عملکرد عرضه‌کننده مورد اعتراض واقع نمی‌شود تا نیاز به اثبات تقصیر باشد بلکه خود محصول فاقد اطلاعات و معیوب، منظور مسوولیت محض قرار می‌گیرد. حتی مسوولیت محض عرضه‌کننده به دلیل تبلیغاتش از محصول نیست بلکه به دلیل صرف وجود کالا در بازار است. علمدار تئوری مسوولیت محض ایالات متحده است که اکنون پس از فراز و نشیب‌های بسیار در رویه قضایی خود مسوولیت محض تولیدکنندگان را مطلقاً پذیرفته است. در این نظام حقوقی کسی که کالایی را در وضعیت ناقص یا معیوبی که به طور غیر متعارفی به حال استفاده‌کننده یا مصرف‌کننده یا اموال وی خطرناک است می‌فروشد، برای زبان بدنی و مادی که به واسطه آن بر آخرین استفاده‌کننده یا مصرف‌کننده یا اموال وی وارد می‌شود مسوول است در واقع بر اساس این ماده عدم اطلاع رسانی را بدون این که بتواند تقصیر محسوب شود منشأ مسوولیت دانسته‌اند و در واقع نوعی مسوولیت محض را در نتیجه عدم ارائه اطلاعات پذیرفته‌اند یکی از این موارد جایی است که سازنده خود خطر احتمالی ناشی از کالا را نمی‌داند تا آن را اعلام کند با این همه عدم ارائه اطلاعات و عدم اخطار و هشدار در این موارد نیز گاه موجب مسوولیت دانسته شده هر چند خطر قابل پیش‌بینی نبوده باشد. سازنده کالا مکلف است نسبت به تمام خطرات احتمالی که عرفاً قابل پیش‌بینی است به استفاده‌کننده هشدار دهد. دادگاه‌های انگلیسی در برابر مسوولیت محض مقاومت کرده و آن را به طور وسیع نپذیرفته‌اند. با این وجود اگر چه حقوق این کشور از پذیرش مسوولیت محض در حوادثی که بر طبق سنت کامن‌لو وجود تقصیر در آنها ضرورت داشته، امتناع کرده است مانند حوادث رانندگی و حوادث صنعتی، اما آن را در اعمالی که طبیعتی خطرناک دارند و انجام دادن آن مستلزم دقت و مهارتی تام است و بی‌مبالاتی در آنها منجر به مرگ یا صدمات جانی شدید می‌شود مثل مسوولیت تولیدکننده کالا، تصویب کرده و قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۹۸۷، مسوولیت محض را قانون بر عهده تولیدکنندگان نهاده است البته در حقوق آمریکا طبق بخش الف از ماده ۴۰۲ مجموعه مقررات مسوولیت مدنی ایالات متحده، مسوولیت محض هنگامی بر فروشنده تحمیل می‌شود که اولاً شغل تجاری فروشنده فروش همان نوع کالاهایی باشد که ایجاد خسارت کرده (یعنی فروشنده حرفه‌ای باشد بنابراین در موردی که خانم خانه‌دار مربای دست‌ساز فاسد خود را به همسایه می‌فروشد جایی برای مسوولیت محض وجود ندارد و ثانیاً کالا باید بدون هیچ‌گونه تغییر اساسی به دست مصرف‌کننده رسیده باشد.^۲

۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵) حقوق مدنی: الزامات خارج از قرارداد (جلد اول) ضمان قهری، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۵۶.
۲. مددی، صادق ۱۳۸۸، مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و فروشندگان کالا، تهران: موسسه مطالعات و مشاوره حقوقی وکلای ایران زمین با

در بند ۲ همین ماده مقرر شده است: «قاعده بیان شده در بند ۱ اعمال می‌شود حتی اگر: الف: فروشنده همه مراقبت‌های لازم را در آماده کردن و فروش کالایش انجام داده باشد. ب: استفاده کننده و مصرف کننده، کالا را از فروشنده نخریده باشد و یا هیچ رابطه قراردادی با فروشنده نداشته باشد». در تعریف مسوولیت محض در زمینه تولید گفته شده است: نظامی است که اندیشه‌های حقوقی را از راه نفوذ در آراء قضایی یا در قوانین پرداخته است. نظامی که هدف اصلی آن حمایت از مصرف کننده است و خطر ناشی از محصولی معیوب را بر عهده تولید کننده می‌نهد خواه سبب آن، خطای طرح کننده یا کارگران و کارگزاران عرضه کالا باشد یا سفارش ویژه طرف قرارداد و نقض تعهد لذا در دعوا طبق این تئوری کافی است خواهان اثبات نماید که اولاً: کالای تولید شده یا فروخته شده به وسیله تولید کننده و فروشنده معیوب بوده است. ثانیاً: از وجود عیب در کالا ضرری به وی وارد شده است. در چنین صورتی دادگاه بدون توجه به تقصیر یا عدم تقصیر عامل زیان و بدون توجه به وجود یا عدم وجود رابطه قراردادی بین عامل زیان و متضرر، حکم به جبران زیان‌های وارده خواهد داد آنچه در رابطه با این مبنا لازم به ذکر می‌باشد این است که صرف قانون گذار می‌تواند با وضع مقررات ویژه‌ای برای تولیدکنندگان کالاهای خطرناک و موردنیاز عمومی، مسوولیت محض ایجاد کند. در نظام حقوقی ما دادرسی مجری قانون است نه موجد آن و به همین جهت نمی‌تواند به خاطر حفظ نظم عمومی و حمایت از مصرف کنندگان مسوولیتی ایجاد کند که قوانین برای اشخاص نشناخته‌اند. بنابر این رشد و توسعه این مبنا در نظام حقوقی بدون وضع مقرراتی در این زمینه، گان لم یکن است. هر چند در این زمینه گام‌هایی برداشته شده اما کافی نیست در آمریکا و بعد از آن جامعه اقتصادی اروپا و کشورهای آلمان و انگلیس با طرح تئوری مسوولیت محض به حمایت از مصرف کنندگان پرداختند. چراکه این تئوری در مقایسه با سایر تئوری‌ها دارای مزایای بیشتری بود ضمن آنکه معایب آن نسبت به تئوری‌های قبلی خیلی کم بود. شاید هم به همین خاطر بوده که قانون نظام صنفی ایران این نوع مسوولیت را پذیرفته است. به طوری که با تصویب این قانون می‌توان گفت قانون گذار ما در این خصوص از اصل مسوولیت بر مبنای تقصیر فاصله گرفته و تولیدکنندگان و فروشندگان کالا را مطلقاً در قبال کیفیت و کمیت کالای خود مسوول قرار داده است.

مسئولیت کیفری عدم اطلاع رسانی درباره محصولات تراریخته

در این گفتار مسوولیت کیفری، مقررات جزائی عرضه کنندگان و اقدامات تأمینی و بازدارنده پیرامون این موضوع بررسی می‌گردد.

مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری، مسئولیت مرتکب جرمی از جرائم مصرح در قانون را گویند.^۱ شخص مسؤول به یکی از مجازاتهای مقرر در قانون خواهد رسید. متضرر از جرم اجتماع است بر خلاف مسئولیت مدنی که متضرر از عمل مسؤول، افراد می‌باشند. جدایی جرم و شبه جرم نیز از نظر حقوقی ثمری ندارد زیرا در هر دو صورت مرتکب ملزم به جبران خسارت است. پس با حذف این دو واژه باید اعمال نامشروع را منبع تعهد شمرد. ولی باید دانست که قانون منبع اصلی تمام تعهدات و الزامات است. مقصود از تقسیم اسباب تعهد، طبقه بندی اموری است که قانون آنها را سبب ایجاد دین قرار داده است. پس نباید قانون را در ردیف عقد و شبه عقد از اسباب عادی و درجه دوم تعهد قرار داد. مجرمین و خاطیان که در ارتباط با مصرف کنندگان قرار می‌گیرند، بیشتر تولید کنندگان و عرضه کنندگانی هستند که به سودای تجارت و به واسطه اهمال و تقصیر و یا به طور غیر مستقیم جرمی را علیه مصرف کننده مرتکب می‌شوند.^۲

لذا اتخاذ هرگونه ضمانت اجرایی باید متناسب با وضعیت سودبخشی و محدود کننده فعالیت ضدا اجتماعی و تولیدات خطر آفرین آنها باشد. از طرفی واقف هستیم که تنها از راه ایجاد کیفرهای سنگین برای مرتکبین این گونه جرائم، نمی‌توان رابطه بین مصرف کنندگان و تولید کنندگان را منظم ساخت. از این جهت بخشی از نقش قاضی داخل در مباحث جرم شناسی بالینی و کیفرشناسی است بعلاوه مقنن ضمانت اجرایی را برای تخلف از وظایف مقرر بر عهده مرتکبین این جرائم می‌گذارد و بدین ترتیب با نقش اربعایی که این نوع مقررات در جامعه ایفاء می‌کند، موجب پیشگیری از ارتکاب جرم می‌شود. باید دقت داشت که اتخاذ اقدامات نامتناسب نه تنها در پیشگیری از جرم مؤثر نیست بلکه ممکن است باعث عناد و گستاخی مرتکب و یا دیگران در ادامه کار و ایجاد حوادثی گردد که در نهایت برای مصرف کنندگان جز خطر و خسارت حاصلی ندارد. حوادث ناخواسته ناشی از مصرف محصولات غذایی به واسطه استعمال آنها و عوامل مختلف، علت واحد یا وضعیت مشابهی ندارد. لذا استفاده از یک یا چند روش خاص به منظور پیشگیری از وقوع جنایت، آسیب و خسارت به مصرف کنندگان را می‌توان در ذیل اجرای قواعد استاندارد، هشدار و پیش بینی جرائم بازدارنده بررسی کرد الف بسیاری از شرایط و عوامل دخیل در وقوع حوادث مجرمانه ناشی از مصرف محصولات غذایی، قابل پیش بینی و کنترل هستند به طوری که با اجرای قواعد استاندارد و اطمینان از حذف عوامل خطر آفرین می‌توان به سطح قابل اعتمادی از پیشگیری رسید ب هشدار و تحذیر: با اطلاع رسانی ناقص و یا عدم اطلاع رسانی، مصرف کننده کالاها و خدمات نامناسب و غیر مفید به دست می‌آورد. بهترین راه حل برای حمایت از مصرف کننده و تأمین رضایت وی اطلاع رسانی صحیح است. محصولاتی که بدون هشدار و راهنمایی به بازار عرضه می‌شود خطرناک و معیوب است و حتی این را می‌توان موجب خیار عیب

۱. قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۷) حقوق مدنی: الزامات و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ ششم نشر میزان، تهران، ص ۶۹.
۲. محمدی، شهرام، (۱۳۸۷) "پیشگیری از جرائم علیه حقوق مصرف کننده"، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۸، ص ۸۲.

دانست. تولید کننده یا فروشنده‌ای که وظیفه دارد خطرهای ناشی از محصول را گوشزد کند و این کار را نمی‌کند مرتکب تقصیر شده است. این وظیفه نه تنها در مورد محصولات معیوب بلکه در مورد محصولات سالمی نیز که ممکن است در برخی مواقع خطر آفرین باشند، بر عهده تولید کننده و فروشنده ثابت است ج پیش بینی جرائم: الزام به اطلاع رسانی در مقررات مختلفی پیش بینی و نقض آن جرم انگاری شده است؛ ماده ۳۶ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۹۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌دارد که کلیه تولید کنندگان موظف‌اند بر حسب اطلاعاتی بر روی محصولات و فرآورده‌های تولیدی خود الصاق نمایند و شماره پروانه ساخت و مهلت اعتبار مصرف (تاریخ مصرف) را نیز روی محصولات حسب مورد درج نمایند. تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازات جریمه نقدی محکوم می‌شود. در ارتباط با ماده فوق نکاتی قابل ذکر است: اولاً این که این ماده، اطلاعاتی که باید ارائه شود را مشخص نکرده است. لذا اگر در مقررات خاصی چگونگی اطلاع رسانی مشخص شده باشد، باید مطابق آن عمل گردد و اگر نه این اطلاع رسانی باید متعارف باشد. البته در این ماده به درج شماره پروانه ساخت و مهلت اعتبار مصرف یعنی تاریخ مصرف اشاره شده است لذا اطلاع رسانی در این موارد نیز باید انجام شود. دوما الصاق بر حسب اطلاعاتی باید مطابق با عرف به گونه‌ای به عمل آید که خود به خود و یا بدون اراده انسان از محصول جدا نگردد و الان می‌توان گفت که تولیدکننده وظیفه خود را انجام داده است. دوم این که برخی کالاهای مشمول طرح تعزیرات حکومتی که ممکن است به صورت فله‌ای تولید و به بازار مصرف عرضه شوند، باید به طریقی اطلاعات مربوط به آنها در معرض دید عموم قرار گیرد. چهارم این که کالاهای سرمایه‌ای و غیر مصرفی مهلت اعتبار مصرف معینی ندارند لذا تولید کنندگان آنها در اجرای قسمت اخیر ماده معاف هستند. پنجم آن که مطابق این ماده فقط تولید کنندگان وظیفه الصاق را بر عهده دارند و توزیع کنندگان کلی و جزئی فاقد این وظیفه می‌باشند یعنی عرضه این نوع کالاها توسط آنها جرم نیست.^۱

آخرین نکته این که صرف عدم الصاق بر حسب اطلاعاتی جرم بوده و ملازمه با آسیب و صدمه به مصرف کننده ندارد. در تبصره ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف کننده آمده است: اگر خسارت وارده ناشی از عیب یا عدم کیفیت باشد و عرضه کنندگان به آن آگاهی داشته باشند، علاوه بر جبران خسارت به مجازات مقرر در این قانون محکوم خواهند شد و اگر اقدام آنان واجد عناوین مجرمانه دیگر باشد، مشمول همان قانون خواهند بود. طبق ماده ۱۸ و ۱۹ برای مجرم جزای نقدی در نظر گرفته شده است. مصرف کننده حق دارد از متخلف و مجرم به دادگاه کیفری شکایت کرده و مسوولیت کیفری و محکومیت او را خواستار شود. مسوولیت کیفری نوعی الزام به پاسخگویی به آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. وضع ضمانت اجراهای کیفری در مورد نقض حقوق مصرف کنندگان، زمینه ساز ایجاد تعادل در عرصه بازار و نهایتاً شکوفایی اقتصاد ملی خواهد شد. از میان حوادث متعدد

۱. تاجمیری، سیمین، (۱۳۹۵) تعهد اطلاع رسانی در زمینه محصولات غذایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه سمنان، ص ۱۲۸.

زیان باری که باعث ورود ضرر و خسارت به مصرف‌کننده می‌شود برخی حوادث علاوه بر ایجاد مسوولیت مدنی، موضوع اعمال مقررات جزایی نیز قرار می‌گیرند. در تمامی موارد یادشده زیان دیده مستحق جبران خسارت وارده است. علاوه بر آن در مواردی عامل زیان متحمل ضمانت اجرای کیفری نیز می‌شود. فرض اخیر در صورتی است که حوادث زیان بار ناشی از استعمال کالای معیوب یا خطرناک، دارای کیفر بوده و از نظر قانونگذار مصداق جرم در نظر گرفته شده باشند. تحقق عنوان مسوولیت کیفری متوقف به احراز شروط معینی در مورد ضرر وارده و وجود رابطه علیت است. شکل‌گیری مسوولیت کیفری تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان محصولات در ذیل عناوین مربوط به قوانین عام و خاص قابل بررسی است.^۱

تولیدکننده و عرضه‌کننده مباشر مستقیم ورود صدمه به مصرف‌کننده نمی‌باشند. اینان با فراهم آوردن زمینه و مقدمات حوادث زیان بار، سبب ورود خسارت می‌گردند. قانون مجازات اسلامی در ذیل عنوان تسبیب در جنایت با وضع ضمانت اجرایی (دیه) موجبات جرم‌انگاری تسبیب را فراهم آورده است طبق ماده ۵۹۲ این قانون، جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها وارد شود.^۲

ضمانت اجرای نقض مقررات این قانون به دو صورت؛ ضمانت اجرا با ذکر مجازات یا اقدامات محدودکننده بدون ملاحظه ورود صدمه یا خسارت و ضمانت اجرا مقید به ضرر مادی به مصرف‌کننده که ماده ۱۰ و ۱۲ این قانون شامل این گونه ضمانت‌های اجرایی است. طبق ماده ۱۲ هرگاه ارتکاب یکی از جرائم مذکور در این قانون موجب بیماری یا آسیبی گردد، مرتکب حسب نتایج حاصله به مجازات حبس و جزای نقدی محکوم می‌گردد. در صورت شکایت مصرف‌کننده و به شرط اقوا بودن سبب از مباشر، دیه و خسارت مصرف‌کننده بر اساس قانون مجازات اسلامی و بر طبق حکم محاکم جبران می‌گردد قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۶۹؛ ماده ۱ این قانون فروش یا عرضه جنس فاسد یا جنسی که موعده مصرف آن گذشته را جرم‌انگاری نموده و عرضه یا فروش جنسی به جای جنس دیگر، مخلوط کردن مواد خارجی به جنس به منظور سوء استفاده، عدم رعایت استاندارد یا فرمول ثبت شده در مواردی که تعیین فرمول و رعایت آن همچنین تعیین استاندارد و رعایت آن الزامی است، به کار بردن رنگ‌ها و عطر مایه‌ها و سایر مواد اضافی غیر مجاز در مواد خوراکی یا آشامیدنی و بهداشتی جرم محسوب شده است در ماده ۲ ضمانت‌های اجرایی اعمال غیر قانونی ماده ۱ به صورت حبس و جزای نقدی بیان شده است. تقلب در ساخت مواد خوراکی و آشامیدنی اگر منجر به مرگ مصرف‌کننده شود مجازات اعدام در پی خواهد داشت. بی‌احتیاطی، بی‌مبالائی و عدم مهارت تولیدکننده و یا عرضه‌کننده مواد خوردنی و آشامیدنی

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. قاسمی حامد، عباس و خالدی دوبرجی، پری، "مسئولیت خسارت وارده به مصرف‌کننده کالای معیوب یا خطرناک در قوانین و مقررات جاری"، مجله پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، شماره ۲، ص ۱۷۹.

که موجب خسارت به مصرف کننده شود مجازات حبس و جزای نقدی خواهد داشت تبلیغات عرضه کنندگان نقشی مهم و تعیین کننده در انتخاب محصول برای مصرف کننده دارد و وی با اعتماد و اتکا به این تبلیغات و نظارت و کنترل دولت و نیز ضرورت احتیاج به محصولات موردنظرش آنها را تهیه می کند. همچنین امروزه اغلب عرضه کنندگان از انواع امکانات و موقعیت های برتر اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی برخوردارند. پس اگر این اشخاص از عدم آگاهی و اعتماد مصرف کننده سوء استفاده کنند چه تضمینی برای حمایت از این قشر ضعیف وجود دارد؟ آیا اتکا به حقوق خصوصی برای حمایت از مصرف کننده کافی است؟ یا این که حمایت کیفری از مصرف کننده نیز باید مدنظر قرار گیرد؟ خطر ناشی از کالای خطرناک ذاتی است و به بی مبالاتی و تقصیر در جریان تولید ارتباط ندارد.^۱

در حالی که خطر ناشی از کالای معیوب عرضی و ناشی از بی مبالاتی در پرهیز از خطرهای احتمالی و کوشش در راه تأمین ایمنی مصرف کنندگان است. مواد غذایی از جمله موادی است که مورد مصرف روزانه عامه مردم قرار می گیرد. از آنجایی که این مواد برای ادامه حیات انسان ضروری است و از طرف دیگر هر انسانی مطابق ذات و میل طبیعی خود گرایش به کسب منفعت بیشتر دارد، لذا برخی از تهیه کنندگان این مواد به انحاء مختلف از فرصت بهره جسته و در عوض تهیه و عرضه مواد مصرفی اصلی، اقدام به تهیه و عرضه مواد مصرفی تقلبی می نمایند. این افراد نه تنها بر خلاف موازین شرعی و اخلاقی رفتار کرده بلکه به سلامت جسمی دیگران لطمات شدید و حتی جبران ناپذیری وارد می سازند. جرم تقلب در مواد غذایی به سهولت قابل تحقق است مثلاً آب را به شیر اضافه و به سهولت به مشتریان عرضه کنند یا این که به جای گوشت گاو، کباب را با گوشت الاغ در رستوران به مشتری بخورانند. علی الاصول اکثر تقلبات در مواد غذایی صورت می گیرد چراکه به کارگیری تقلب به سهولت امکان پذیر بوده و تشخیص آن از نظر مصرف کننده چندان آسان نیست بدیهی است برای این که بتوان مرتکب تقلب را تحت تعقیب قرار داد و او را مسوول دانست، باید بیماری یا آسیبی که به دیگران وارد می شود، منتسب به مرتکب باشد و رابطه سببیت بین عمل و بیماری یا آسیب وارده به طرف به وجود آمده باشد و الا اگر تمام عناصر مادی جرم وجود داشته و رابطه سببیت وجود نداشته باشد نمی توان عمل را قابل استناد به مرتکب تقلب نمود؟. برای شکستن چهار چوب قراردادی و نمایاندن چهره اجتماعی موضوع روی آوردن به قوانین کیفری نیز یکی از آخرین حربه هایی است که پیش از تحول جدید در مبانی مسوولیت ناشی از تولید به ویژه در مورد کالاهای اساسی مانند خوراکی ها و مواد داروئی به کار گرفته شده است. این مرحله را بسیاری از نظام های حقوقی دیگر نیز تجربه کرده اند و در کنار مسوولیت مدنی تولید کننده به مجازات مقصران و خاطیان پرداخته اند.

۱. همان، ص ۱۷۹.

اقدامات تأمینی و بازدارنده

هدف قوانین مربوط به مواد غذایی باید حمایت از منافع مصرف‌کنندگان بوده و مبنایی برای مصرف‌کنندگان جهت اعمال انتخاب آگاهانه در رابطه با مواد غذایی مورد مصرف آنها فراهم کند. آن اهداف عبارت‌اند از: پیشگیری از اعمال متقلبانه یا فریبنده، پیشگیری از تقلب در مواد غذایی و هر شیوه دیگری که ممکن است مصرف‌کننده را گمراه کند؛ در قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۶۹ و اصلاحات سال ۱۳۵۳ به وزارت بهداشتی اختیارات صدور آیین‌نامه خلافی در زمینه امور بهداشتی داده شده است. در این قانون می‌خوانیم: مقررات بهداشتی طبق آیین‌نامه‌ای است که از طرف وزارت بهداشتی تعیین و برای اطلاع عموم به وسایل مقتضی آگهی می‌شود، تخلف از مقررات بهداشتی مذکور مستوجب مجازات خلافی است که بر طبق آیین‌نامه مصوب وزارت دادگستری و وزارت بهداشتی تعیین خواهد شد.^۱ مأمورینی که از طرف وزارت بهداشتی یا مؤسسات مسوول دیگر برای نظارت در مواد خوردنی و آشامیدنی و بهداشتی تعیین می‌شوند، مکلف‌اند متخلفین از مقررات بهداشتی را با ذکر مورد تخلف با تنظیم گزارش به مسوول بهداشت محل معرفی نمایند.

مسوول بهداشت محل در صورت تأیید گزارش مأمور نظارت، متخلف را به دادگاه معرفی نموده و به مدیر مؤسسه نیز کتباً اخطار می‌نماید که در موعد مقرر که مدت آن در آیین‌نامه تعیین خواهد شد، به رفع نواقص اقدام نماید. بر طبق ماده ۱۶ قانون مذکور از تاریخ تصویب این قانون ترخیص مواد غذایی از گمرک به هر شکل و کیفیتی، به منظور بازرگانی و تبلیغات، با رعایت مقررات عمومی، علاوه بر دارا بودن گواهی بهداشتی و قابلیت مصرف از کشور مبدأ، مستلزم تحصیل پروانه ورود از وزارت بهداشتی است و واردکننده نیز مکلف است برای تحصیل پروانه مزبور، فرمول مواد و همچنین موادی که برای نگهداری به آنها اضافه شده به وزارت بهداشتی تسلیم نماید. تشکیل مؤسسه استاندارد و تشویق و الزام تولیدکنندگان به تحصیل جواز مرغوب بودن کالای عرضه شده نیز تمهید دیگری برای تأمین سلامت و امنیت مصرف‌کنندگان است.^۲

نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل و اسناد حقوق بشری در خصوص محصولات مهندسی‌شده تاکنون رویه ثابتی نداشته است با مذاقه در سازمان‌های بین‌المللی می‌توان به خوبی این تعارض را درک نمود. سازمان‌های نظیر سازمان تجارت جهانی براین باور است که کشورهای جهان نباید در قوانین ملی خود تجارت این محصولات را با مانع مواجه نمایند زیرا اصل بر تجارت آزاد است. این سازمان خواستار آزادی در فعالیت‌های اقتصادی ژنتیکی است زیرا ساختار اقتصاد

۱. شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۶) حقوق کیفری اختصاصی (جلد اول) جرائم علیه اشخاص، چاپ نهم، انتشارات مجد، انتشارات ژوبین، تهران، ص ۱۵۲.

۲. کاتوزیان، پیشین، ص ۱۷۹.

آزاد چنین اقتضا می نماید سازمان جهانی خوار و بار نیز تولید این محصولات را راه مناسبی برای مقابله با گرسنگی قلمداد می کند و معتقد است که تولید محصولات تراژنی به دلیل سهولت و ارزانی کشورهای در حال توسعه را قادر می سازد تا با گرسنگی شهروندانش مقابله کرده و این مشکل را مرتفع کند. اما سازمان جهانی بهداشت به تحقیقاتی استناد می کند که، انجمن های مختلف بین المللی انجام داده است این سازمان استفاده از محصولات تراریخته را دارای زیان های می داند که خواستار انجام تحقیقات مستقل در خصوص آن شده است این سازمان از کشورهای مختلفیم خواهد تا زمان روشن شدن نتیجه تحقیقات در خصوص محصولات تراریخته اصل را بر احتیاط قرار دهند. اصول حاکم بر حقوق بین الملل محیط زیست نیز این امر را تأیید می نماید اصل احتیاط و پیشگیری در کنار اصل جبران خسارات احتیاط بیشتر در زمینه محصولات تراریخته را به پیش می کشند. در فقه نیز هر چند محصولات تراریخته دارای مخالفانی است و آن را نوعی دخالت در آفرینش قلمداد می کنند بیشتر فقها قائل به استفاده مشروط از این محصولات هستند در این دیدگاه که حقوق ایران نیز آن را پذیرفته است استفاده از دانش ژنتیک مادامی که برای انسان و محیط زندگی او زیانی را در برداشته باشد بلا اشکال است جبران خسارات ناشی از این محصولات نیز مطابق نظریات فقهی مبتنی بر سه قاعده تسبیب، اتلاف و لاضرر است در فقه آنچه دارای اهمیت است آن است که زیان وارد آمده جبران گردد به همین منظور قواعد متعددی وضع نموده تا در صورت عدم کارایی هر یک از آنها بتوان از قاعده دیگر استفاده نمود.

مسئولیت ناشی از محصولات تراریخته در حقوق ایران مبتنی بر نظریه خطا است به این صورت که، در صورتی می توان تولیدکننده را مسئول دانست که، تقصیری مرتکب شده باشد و از ناحیه این تقصیر به قربانی زیانی وارد آمده باشد این مبنا با مبنای حقوق بین الملل و فقه اسلامی و همچنین کشورهای پیشرفته در تعارض است زیرا در این رژیم مسئولیت عمدتاً زیان های وارد آمده قابلیت اثبات ندارند خسارات ناشی از محصولات تراریخته عمدتاً، تدریجی، عمومی و کلی است بنابراین اثبات تقصیر تولیدکننده امر دشواری خواهد بود از سوی دیگر اثبات رابطه سببیت در مسئولیت ناشی از محصولات تراریخته بسیار دشوار است این امر را می توان یکی از خلاء های وارد بر نظام حقوقی ایران تلقی نمود زیرا حمایت از مصرف کننده در آن مورد لحاظ قرار نگرفته است. عمدتاً، قانون گذاری در زمینه محصولات تراریخته مبهم و ناکافی است عمده مصوبات مقنن در این زمینه با فقدان عدم ضمانت اجرایی کافی برخوردار است در بسیاری از موارد مقنن تولیدکننده را از اموری منع نموده است اما ضمانت اجرایی کیفری متناسب در این زمینه در نظر نگرفته است. در خصوص ضمانت اجرایی مدنی نیز نظام ایران به دلیل مبنای مسئولیت مبتنی بر خطا با مشکل در اثبات مواجه است. به این ترتیب در مجموع می توان نظام تقنینی ایران نسبت به محصولات تراریخته را نظامی سودمند برای تولیدکننده و فعالان اقتصادی در این زمینه دانست مصرف کننده کمترین نفع را از نظام مسئولیت ناشی از محصولات تراریخته به دست می آورد. چالش دیگر حقوق ایران بحث مالکیت معنوی است عمدتاً با تولید محصولات تراریخته به ویژه در زمینه ژن ها شرکت های فعال در این

زمینه حق انحصاری دسترسی به آن را از آن خود می‌کنند به این ترتیب عرصه برای فعالیت دیگر فعالان تنگ شده و نوعی انحصار در بازار به وجود می‌آورد عدم پیش‌بینی طرق تعقیب نیز دیگر خلاء پیش روی نظام حقوقی ایران است به نحوی که، در قانون ایمنی زیستی صرفاً سازمان‌های دولتی را صالح برای تعقیب دانسته و نقش جامعه مدنی را بسیار کم‌رنگ می‌کند.

در حقوق ایران، نیز با تصویب قانون ملی ایمنی زیستی تلاش‌هایی به منظور نظم‌دهی فرایند عرضه محصولات تراریخته صورت پذیرفته است. اما متأسفانه این قانون دارای نقاط ضعفی است که قانونگذار ایرانی با توجه به واقعیتهای دنیای کنونی و اهمیت حیاتی حمایت از اصول بنیادین حقوق بشری، لازم است به اصلاح آن اقدام نماید. مهم‌ترین ایرادات قانون مزبور عبارت است از: عدم پیش‌بینی مسئولیت محض برای متصدیان محصولات تراریخته، لذا به نظر می‌رسد در راستای برقراری عدالت اجتماعی و با توجه به عدم کفایت نظام سنتی مسئولیت مبتنی بر تقصیر در خصوص خسارتهای ناشی از زیست فناوری کشاورزی، مقررات قانون ایمنی زیستی باید اصلاح شده و ضمن پیش‌بینی نظام مسئولیت محض برای خسارتهای ناشی از محصولات تراریخته، مقررات به صراحت شرایط مربوط به نحوه توزیع مسئولیت بین عوامل ورود زیان و شیوه جبران ضررهای وارده را معین نمایند. عدم توجه به رویکرد مبتنی بر احتیاط از جمله نقاط ضعف دیگر قانون است که باید اصلاح شود. این اصل به دلیل ضرورتی که برای حفاظت از محیط زیست از یک طرف و سلامت انسانی از طرف دیگر دارد، به یکی از رایج‌ترین مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط زیست تبدیل شده است. اما به نظر می‌رسد در قانون ایمنی زیستی ایران به این مهم توجه نشده است. این بی‌توجهی نه تنها در بخش مقررات تولید داخلی قابل مشاهده است، بلکه با مقرر نکردن قواعد نظارتی مشخص بر روند واردات این محصولات، به خوبی نمایان شده است. این نقیصه قانونی می‌تواند سوء استفاده‌های فراوانی را در پی داشته و افراد فارغ از محدودیت‌های ضروری نظارتی، اقدام به واردات بی‌رویه محصولات تراریخته به کشور نمایند. در این زمینه پیشنهاد می‌شود، رویکرد مبتنی بر احتیاط و برخورد احتیاط‌آمیز در رفتار با محصولات تراریخته در مفاد قانون ایمنی زیستی منظور شود و همچنین مقررات مشخصی در زمینه نظارت بر واردات محصولات تراریخته تدوین و نهاد ناظری مستقل از گمرک مسئول نظارت بر واردات این محصولات شود. بی‌توجهی به مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها نیز از جمله مشکلات قانون ملی ایمنی زیستی است. در شورای ملی ایمنی زیستی ایران که نهاد سیاست‌گذار و تصمیم‌گیرنده در زمینه محصولات تراریخته است، نماینده‌ای از سوی گروه‌های مردمی از جمله کشاورزان، حضور ندارد. در این راستا پیشنهاد می‌شود نماینده‌ای از تشکلهای مردم نهاد محیط زیستی به ترکیب اعضای شورا افزوده شود و از میان تشکلهای مردمی نظیر تعاونی‌های غیردولتی کشاورزی نیز، یک نفر نماینده به اعضای شورا افزوده گردد. مستثنی شدن فعالیت‌های پژوهشی از مفاد قانون ملی ایمنی زیستی از دیگر نقاط ضعف قانون است. بر اساس ماده دهم قانون ملی ایمنی

زیستی، پژوهش‌های آزمایشگاهی و گلخانه‌ای گونه‌های زیستی تغییر شکل یافته ژنتیکی و همچنین امور مربوط به دارو و فرآورده‌های مرتبط که مصارف انسانی دارد، از شمول مفاد این قانون مستثنی است. این مقرر می‌تواند مستمسکی باشد برای افراد تا با ادعای انجام فعالیت‌های پژوهشی از زیر بار تعهدات حقوقی شانه خالی کرده و با این بهانه سالها به تولید و عرضه این محصولات مشغول باشد، بدون اینکه اقدام به اخذ مجوز و انجام ارزیابی‌های مرتبط با خطرهای احتمالی نمایند.

منابع

الف) فارسی

- امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید. (۱۳۷۸). حقوق تعهدات، جلد ۱، تهران: انتشارات نشر میزان.
- اصغری، ابوالفضل. (۱۳۹۰). مجموعه کامل قوانین و مقررات زیست فناوری کاربردی، تهران: انتشارات حقوقی.
- تاجمیری، سیمین. (۱۳۹۵). تعهد اطلاع‌رسانی در زمینه محصولات غذایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه سمنان.
- حبیبی، محمد حسن. (۱۳۸۲). بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی، نشریه حقوق اساسی، شماره ۱.
- خالقی، کیومرث. (۱۳۷۸). فعالیت سازمان ملل متحد در قلمرو حق آزادی بیان، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل.
- راسخ، محمد. (۱۳۸۳). بیوتکنولوژی و انسان، مسائل و دیدگاهها، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، تهران.
- رزمخواه، زینب. (۱۳۹۶). حقوق بشر و زیست فناوری تراریخت: چالش‌ها و راهکارها، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران.
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۸۶). حقوق کیفری اختصاصی (جلد اول) جرائم علیه اشخاص، چاپ نهم، انتشارات مجد، انتشارات ژوبین، تهران.
- عباسی، محمود، کاظمی، عبدالحسین. (۱۳۸۷). مواد غذایی تراریخته و حقوق مصرف‌کننده، فصلنامه اخلاق در علوم و فن‌آوری، شماره ۳، تهران.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی. (۱۳۸۷). حقوق مدنی: الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ ششم نشر میزان، تهران.
- قاسمی‌حامد، عباس و خالدی‌دوبرجی، پری. مسئولیت خسارت وارده به مصرف‌کننده کالای معیوب یا خطرناک در قوانین و مقررات جاری، مجله پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، شماره ۲.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). وقایع حقوقی - مسئولیت مدنی، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). حقوق مدنی: الزامات خارج از قرارداد (جلد اول) ضمان قهری، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران.
- محسنی، وجیهه، هاشمی، محمد، جاوید، محمدجواد و عباسی، بیژن. (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی نسبت سنجی حق دسترسی عموم به اطلاعات با تحقق حقوق شهروندی با تأکید بر نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیست و یکم، شماره ۶۲.
- مهاجر، مینا. صفایی، حسین و مهدوی دامغانی، عبدالمجید. (۱۳۹۰). ملاحظات اخلاقی و حقوقی در کاربرد محصولات تراریخته با نگاهی به قانون ملی ایمنی زیستی، اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۶، شماره ۱.

ممتاز، جمشید. (۱۳۹۷)، حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی (ترجمه حسین شریفی طراز کوهی)، تهران: نشر دادگستر.

مایر، فدریکو. (۱۳۷۷)، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه (ترجمه محمد جعفر پوینده)، تهران: نشر نی.
مددی، صادق. (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و فروشندگان کالا، تهران: موسسه مطالعات و مشاوره حقوقی وکلای ایران زمین با همکاری نشر میزان، چاپ اول.
مددی، صادق. (۸۸۳). مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و فروشندگان کالا، تهران: موسسه مطالعات و مشاوره حقوقی وکلای ایران زمین با همکاری نشر میزان، چاپ اول.
محمدی، شهرام. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرائم علیه حقوق مصرف کننده، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۸.

ب) انگلیسی

Bernstein, JA (2003), Clinical and Laboratory Investigation of Allergy to Genetically Modified Foods. Environ Health Prospect, no. 111.

International Covenant on Civil and Political Rights, op. cit, Art.19 (2).

Universal Declaration on Human Right, op.cit, Art. 19.

Cite this article: Bayat, M. (2026). Investigating Civil Liability Arising from the Labeling of Genetically Modified Products in Light of the Right to Health, the Right to Knowledge, and Consumer Rights. *Journal of Vakil Daavi*, 2 (1), 89-117.
<https://doi.org/10.22034/vd.2026.2092805.1015>

Publisher: Khorasan Razavi Judiciary Lawyers Center.

استناد: بیات، محمد. (۱۴۰۵). بررسی مسئولیت مدنی ناشی از برچسب زنی محصولات تراریخته در پرتو حق بر سلامت، حق بر آگاهی و حقوق مصرف کننده، فصلنامه وکیل حقوق دعاوی. ۲ (۱)، ۸۹-۱۱۷.

<https://doi.org/10.22034/vd.2026.2092805.1015>

ناشر: مرکز وکلای قضاایه خراسان رضوی.